



## کارکردهای اسطوره شناختی آب در ایران باستان

سیما عباسی<sup>\*</sup>، مهدی صفری<sup>۱</sup>، لیلا عسگری<sup>۲</sup>

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور.

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور.

۳. کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور.

دریافت: ۱۳۹۶/۰۷/۲۵ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۲۴

## Mythological Functions of the Water in Ancient Iran

S. Abbasi<sup>\*1</sup>, M. Safari<sup>2</sup>, L. Asgari<sup>3</sup>

1. Assistant Professor of Persian Language and Literature, Payame Noor University.

2. Assistant Professor of Persian Language and Literature, Payame Noor University.

3. M.A, Persian Language and Literature, Payame Noor University.

Received: 2017/10/17 Accepted: 2018/02/13

### Abstract

Arbia elements, and especially water, are the main elements of nature and one of the most critical phenomena that mankind faces with them and has found their necessity and importance. Water was always sacred in pre-Zoroastrian religions as well as in Zoroastrian religion, and the goddesses were protected it. A significant part of the mythology of ancient Iranian religions is devoted to water. In the cultural and biological system of the early periods of life, human beings have used certain methods for recognizing and introducing the phenomena of existence, one of which is myth. Myths are among the earliest initial cognitions and explanations of humankind to determine what is the status of the available and unknown elements of nature. In fact, they are the history of the fiction of different nations and the cultural system that expresses the general worldview of the world, its origin, the position of man in nature and part of the human epistemic system in the period of the beginning of human life. The scope of the functions of myth is often the recognition of human behavioral patterns in all its dimensions and the general justification of socio-cultural phenomena around it. In other words, myths are the symbolic image of the phenomena of nature in tangible and visible language, and the symbolic expression of social infrastructure and common thought in ancient and prehistoric that are reflected by associating with the rituals, behaviors, ethics and rules of the traditional social and family system. Thus, with myths, one can examine the cognitive system of a nation or religion and measure their views and actions. Accordingly, in this research, a descriptive-analytic approach has been used to express, first of all, with a brief overview of myth and their epistemic and ontological functions, to state what the water identity is in the beliefs of ancient Persians and in Iranian religions, especially Zoroastrianism, and cognitive functions about the Iranian's insight and their attitude toward this natural phenomenon.

**Keywords:** Water, Myth, Mythological Functions, Ancient Iran, Zoroastrian Religion.

### چکیده

عناصر اربعه و به ویژه آب از اصلی‌ترین عناصر طبیعت و از حیاتی‌ترین پدیده‌هایی است که بشر با آن مواجه شده و ضرورت و اهمیت آن را دریافته است. در ادیان قبل از زرتشت و نیز در دین زرتشت آب همواره مقدس بوده و الهه‌گان و ایزدانی از آن محافظت و مراقبت می‌کرده‌اند. بخش قابل توجهی از اسطوره‌های ادیان باستانی ایران اختصاص به آب دارد. در نظام فرهنگی و زیستی دوره‌های آغازین حیات، انسان برای شناخت و معرفی پدیده‌های هستی از شیوه‌های خاصی بهره می‌گرفت که یکی از آنها اسطوره است. اسطوره‌ها جزو اولین استدلال‌ها و تبیین‌های شناختی بشر اولیه برای مشخص کردن چیستی و جایگاه عناصر در دسترس و ناشناخته طبیعت هستند و بخشی از نظام معرفتی انسان در دوره آغاز زندگی بشری را در بر می‌گیرند. دامنه کارکردهای اسطوره اغلب شناخت قالب‌های رفتاری انسان در همه ابعاد آن و توجیهی عمومی از پدیده‌های اجتماعی- فرهنگی پیرامون اوست؛ به عبارتی اسطوره‌ها تصویر نمادین پدیده‌های طبیعت به زبانی محسوس و قابل رؤیت و بیان نمادین زیرساخت‌های اجتماعی و اندیشه مشترک در منابع باستانی و پیش از تاریخ‌اند که در پیوند با آیین‌ها، رفتارها، اخلاقیات و مقررات نظام سنتی اجتماعی و خانوادگی، انعکاس خارجی و عینی می‌یابند؛ بنابراین می‌توان با اسطوره‌ها نظام شناختی و معرفتی یک ملت و یا دین را بررسی کرد و دیدگاه‌ها و عملکردهای آنان را سنجید. بر این اساس این پژوهش با رویکرد توصیفی- تحلیلی سعی دارد تا پس از اشاره‌ای اجمالی به اسطوره و کارکردهای معرفتی و هستی شناختی آن به بیان چیستی و هویت آب در باور ایرانیان باستان و در ادیان ایرانی به ویژه دین زرتشت بپردازد و کارکردهای اسطوره شناختی آن را در رابطه با بینش و نگرش ایرانیان به این پدیده طبیعی بیان نماید.

**کلیدواژه‌ها:** آب، اسطوره، کارکردهای اسطوره‌شناختی، ایران باستان، دین زرتشت.

### مقدمه

داشته و چه کاربردی از ساخت این اساطیر متصور بوده است. در پژوهش حاضر سعی شده که با بررسی چپستی اساطیری آب در متون باستانی، جلوه‌های اساطیری و کارکردهای آن مورد مطالعه قرار گیرد. بر اساس تحقیقات انجام شده و مستندات موجود تاکنون کار ویژه‌ای بر روی این موضوع از منظر کارکردهای اسطوره‌شناختی آن صورت نگرفته است. از این رو در پژوهش پیش‌رو به این مهم پرداخته شده است. پیش از بحث به اجمال اسطوره و کارکردهای شناختی و معرفتی آن بیان شده و در ادامه چپستی و هویت آب و پیشینه حضور آب در دوره‌های مختلف تاریخ ایرانی بررسی شده است:

### اسطوره و کارکردهای آن

اسطوره<sup>۱</sup> تاریخ داستانی در ملل مختلف و یک نظام فرهنگی است که بیانگر جهان‌بینی کلی در مورد جهان، منشأ آن، مقام و موضع انسان در طبیعت و همچنین نیروهای برین است. اسطوره «با واژه هیستریا<sup>۲</sup> در معنای روایت و تاریخ هم‌ریشه است» (Ismail, 1973; Pour, 2002; Bahar, 1973). اسطوره «نقل‌کننده سرگذشتی قدسی و مینوی است، راوی واقعه‌ای است که در زمان نخستین، زمان شگرف بدایت همه چیز، رخ داده است... اسطوره همیشه متضمن روایت یک خلقت است، یعنی می‌گوید چگونه چیزی پدید آمده و هستی خود را آغاز کرده است. اسطوره فقط از چیزی که واقعاً روی داده و به تمامی پدیدار گشته، سخن می‌گوید» (Eliadeh, 1997)؛ به عبارتی ژرف ساخت آن حقیقت و تاریخ در نظر مردمان باستان و روساخت آن افسانه است.

همچنین اسطوره‌ها بخشی از آفرینش‌های معنوی انسان کهن و شکل اصیل روح و زمان است. لوی اشتروی در همه آثارش معرفت اساطیری را گوشزد می‌کند اما همواره یادآور می‌شود که نقص آن چیست. در واقع او به اساطیر به عنوان بخشی از معرفت و نوعی از معرفت انسان وحشی می‌نگرد (Hadi, 1998). اسطوره‌ها در زمان خود نه تنها برداشت آدمی را درباره جهان پیرامونش در بر می‌گرفت؛ بلکه پاسخ‌گوی نیازهای مادی و روانی او نیز بود و در واقع گذشته از توجیه جهان، توجیه نقش آدمی در آن نیز بوده است (Gaviry, 2012). اسطوره‌ها نیازهای معنوی انسان را که محصول بیم و هراس او از ناشناخته‌ها و نیاز وی به پیدا کردن پناه و نگهدارنده و ایجاد ارتباط با جهان پیرامون بود برطرف می‌کرده است (Bahar, 1989).

بشر در دوره آغازین حیات جمعی خویش به دنبال کشف جهان هستی، رمز و رازها و نیروهای مافوق بشری بوده است و بر این اساس در ابتدا سعی در شناخت حیاتی‌ترین و پرکاربردترین عناصر پیرامون خویش داشته که در وهله اول عناصر طبیعت است. از ابتدا در باور ایرانیان چهار عنصر سازنده و قوام بخش جهان مادی و هستی، چهار آخشیج و یا چهار عنصر اصلی آتش، آب، باد و خاک بوده است. ذهن انسان باستان در راستای شناخت جهان پیرامون خویش ابتدا در پی تبیین چگونگی و چپستی این عناصر بوده و در این مسیر از برخی شگردهای هستی‌شناختی و معرفتی بهره برده است. اسطوره‌ها جزو اولین استدلال‌ها و تبیین‌های شناختی بشر اولیه بوده‌اند که از طریق آنها سعی در تبیین جایگاه عناصر در دسترس و ناشناخته طبیعی پیرامون خود داشته است. به نظر می‌رسد بدین سبب بوده که در آیین ساده آریائی‌ها در ابتدا آسمان، آتش، باد، خورشید، ماه، ستارگان و باران که همگی مظاهر زندگی هستند، پرستیده می‌شوند و در برابر آنها نیروهای زیان‌بار طبیعت به اشکال اهریمنی و پلید مجسم و نکوهش می‌شوند.

از جمله اصلی‌ترین پدیده‌های طبیعی که از همان ابتدای سیر و حرکت شناختی، بشر در پی تبیین آن بوده، آب است. آب در باور ایران باستان از عناصر اربعه و پس از آتش، مقدس‌ترین عنصر طبیعی است. اهمیت و جایگاه ویژه‌ای که آب در زندگی و حیات انسان‌ها از همان ابتدای خلقت داشته سبب شده است که در باور بشر اولیه و در فرهنگ نمادهای مقدس سنتی، از آب به عنوان منشأ همه مخلوقات یاد شود. بنابر اعتقاد زرتشت و ادیان پیش از او زمین و همه ی هستی مادی از آب آفریده شده‌است. چنین نگرشی به آب سبب شد که جایگاه ویژه‌ای در هستی‌شناسی و جهان‌بینی ایرانیان باستان داشته باشد و تقدس خاصی برای این عنصر ارزشمند حیات بشری در نظر گرفته شود و بر همین اساس است که بخش قابل توجهی از باور دینی و فرهنگ اساطیری ایران باستان اختصاص به آب و ایزدان و ایزدبانوان نگاهدارنده آن به ویژه در کتاب اوستا دارد.

در باور دین زرتشتی آب پدیده‌ای اساطیری است و کارکردهای آشکاری در حوزه هستی‌شناسی و تبیین آیین‌ها و فعالیت‌ها و مناسک ایران باستان دارد. بر همین اساس برای دستیابی به پاسخ این سؤالات که آب، به عنوان ماده اولیه هستی و به عنوان عنصری سازنده و تأثیرگذار بر شکل‌گیری جهان هستی و انسان‌های روزگار باستان، چگونه در اساطیر دینی ایران جلوه‌گر شده و چه ایزدان و ایزدبانوانی در ارتباط با آن وجود

1.myth  
2.historia

. وجود جهان و انسان را توجیه می‌کند و در واقع نوعی بعد فلسفی به هستی‌شناسی ابتدایی می‌بخشد.

. سازمان‌ها و ساخت‌های اجتماعی را توجیه و تثبیت می‌کند و عملاً نقشی ایدئولوژیک دارد.

. آیین‌ها که یگانگی فرد با اجتماع و فرد و اجتماع را با طبیعت برقرار می‌سازد، توجیه می‌کند و به آنها ارزش و تقدس می‌بخشد.

. آداب و رفتار اجتماعی و درون طبقه‌ای را- هرگاه طبقات شکل گرفته باشند- تعیین و توجیه و تثبیت می‌کند.

. آثار متعدد روانی و روان‌درمانی دارد (Sharifi, 2008).

پژوهش‌های انجام گرفته در این حوزه بیشتر به جنبه‌های تاریخی و بررسی مفاهیم پرداخته‌اند. قائمی و همکاران (2009) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل نقش نمادین اسطوره آب و نموده‌های آن در شاهنامه فردوسی بر اساس روش نقد اسطوره-ای» با دیدگاه نقد اسطوره‌شناختی یا کهن‌الگویی به نقش تصویر کهن‌الگویی آب در اسطوره آفرینش و رموز منتج از آن در بافت باورهای اساطیری، با محوریت شاهنامه فردوسی، پرداخته‌اند. علی پورمند و طاووسی (2010) در مقاله «ایزدبانوی آب، آناهیتا» به بررسی معابد آناهیتا در کنگاور، بی‌شاپور و تخت سلیمان و تحلیل آنها پرداخته‌اند. محمودی و همکاران (2012) در پژوهشی تحت عنوان «حیات تاریخی ایزد بانوی آناهیتا در شیرین و شکر نظامی» به بررسی چرایی و چگونگی بازتولید ایزدبانوی آناهیتا در منظومه خسرو و شیرین نظامی پرداخته و به این نتیجه دست یافته‌اند که ایزدبانوی آناهیتا از طریق ادبیات عامه در شخصیت خسرو و شیرین و شکر نظامی تبلور یافته و به حیات خود در کالبدی جدید ادامه داده است. بارانی و خانی سومار (2014) نیز در پژوهش دیگری به بررسی تطبیقی اسطوره آب در اساطیر ایران و هند پرداخته‌اند. افخمی و همکاران (2006) در تحقیق تحلیلی-تطبیقی به بازنمایی الهه آناهیتا در شواهد باستان‌شناسی دست یازیده‌اند. افزون بر این پژوهش‌هایی نیز وجود دارد که در مقاله حاضر به آنها استناد شده است.

### روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر نحوه گردآوری داده‌ها، توصیفی-تحلیلی از نوع اسنادی بوده است. پژوهش توصیفی \_ تحلیلی به صورت یک پیوستار با توصیف آغاز و به تحلیل و در نهایت استنتاج می‌انجامد. ماهیت پژوهش کیفی است بنابراین برای دستیابی به اهداف پژوهش، داده‌های کمی گردآوری نشده است و برای جمع‌آوری اطلاعات با توجه به

اینکه انسان ادوار اساطیری نیاز داشته تا جهان پیرامون خود را بشناسد، نکته تازه‌ای نیست زیرا این واقعیت، با ذهن آدمی دارد که به طور طبیعی در پی یافتن علت‌هاست (Gaviry, 1992). تفاوت شناخت اساطیری با شناخت علمی، نه در علی بودن یکی و علی نبودن دیگری است، بلکه این تفاوت بر اثر تحول آگاهی‌ها از حقایق عینی جهان است (Bahar, 1989). از این رو هدف اسطوره نیز همانند علم، بیان واقعیت-های جهان و روشن کردن پدیده‌های آن است. اسطوره مانند علم، عواملی را که در جهان دخالت دارند، بر می‌شمارد و ما را از ماهیت مادی و معنوی آنها آگاه می‌سازد (Gaviry, 2012).

اسطوره برای شناسایی جهان شمول‌های فرهنگ بشر منبعی بهتر و کارآمدتر از منطق به شمار می‌آید؛ چرا که می‌تواند، در سطحی گسترده‌تر از منطق، فراتر از چارچوب‌های قانونمندی و به گستردگی تخیل عمل کند. اسطوره پیوندی بی‌واسطه‌تر با تخیل و کارکردهای ذهن بشر دارد، بدین ترتیب می‌توان امیدوار بود که با شناسایی جهان شمول‌های ذهن و روان به شناختی عمیق‌تر از فرهنگ‌های دور از دسترس اما دارای جنبه‌هایی مشترک از تجربه بشری برسیم. کارل گاستاو یونگ، این همسانی تصاویر و نمایه‌های ذهنی و فرهنگی مردم عالم را ناشی از برآیند ناخودآگاهی آنان می‌داند. در اصل محتویات ناخودآگاهی جمعی ماست که از اجداد ما چونان ژنی به ما رسیده‌اند (Sharifian & Atuni, 2011).

اگرچه اسطوره می‌تواند متضمن روایت خلقت باشد و علت وجودی آن را توضیح دهد، دامنه کارکردهای آن به نوعی همه آئین‌ها و فعالیت‌های معنی‌دار آدمی از تغذیه و زناشویی گرفته تا کار، تربیت، هنر و فرزندی را دربرمی‌گیرد. به عبارتی با استفاده از اسطوره‌ها می‌توان به بررسی و یافتن عمومی قالب‌های رفتاری انسان در همه ابعاد آن پرداخت و توجیهی عمومی از این پدیده‌های اجتماعی - فرهنگی به دست داد.

اسطوره‌ها در واقع تصویر نمادین پدیده‌های طبیعت به زبانی محسوس و قابل رؤیت و بیان نمادین زیرساخت‌های اجتماعی و اندیشه مشترک در منابع باستانی و پیش از تاریخ‌اند. اساطیر هر قوم برای انسان عصر اساطیری به مثابه پلی است میان وی و پدیده‌های جهان پیرامونش که از طریق ذهنی پیوند او را با جهان برقرار می‌سازد و به صورت بنیادی عقیدتی در پیوند با آیین‌ها، رفتارها، اخلاقیات و مقررات نظام سنتی اجتماعی و خانوادگی، انعکاس خارجی و عینی می‌یابد.

اسطوره‌ها برای جهان هستی رمز و رازها و نیروهای مافوق بشری قائل می‌شوند و بیانگر ماهیت بسیاری از عناصر طبیعی آن هستند. به هر روی مهم‌ترین کارکردهای اسطوره را می‌توان به شرح زیر دانست:

در زمین می‌شود. «در آغاز هزاره هفتم پس از تازش اهریمن بر زمین، ایزدی به نام تیشتر با جام ابر(مانند) از آب‌هایی که در آغاز آفریده شده بود، آب برداشت. باد آن را به آسمان برد، و بر زمین بارانند. در پی این باران بزرگ، زمین نمناک شد و به هفت پاره بگسست، هر پاره را اقلیمی خوانند، که در پهلوی «کشور» گفته می‌شود» (Bahar, 2012).

همچنین در اساطیر در اشاراتی در باره جغرافیای اساطیری جهان در ادبیات پهلوی، هرمزد نخست آسمان را از سر «خویش» آفرید، و آن را چون تخم مرغ ساخت و همه آفرینش مادی را در میان آن قرار داد. در روایات پهلوی آمده است، که هرمزد خود ساکن درون آسمان است. دومین آفرینش هرمزد آب بود، که آن را از اشک «خویش» آفرید. سومین آفرینش وی زمین بود، که آن را از پای «خویش» آفرید (Bahar, 2012). «آفرینش آب از روز شانزدهم اردیبهشت ماه تا یازدهم تیر ماه یعنی پنجاه روز به طول انجامید. به نشانه شکرگزاری از این بخشش، هر فردی، از روز یازدهم تا پانزدهم تیر ماه جشنی برپا شود، که گاهنبار میدیوشیم خوانده می‌شود (Mirfakhary, 1987).

آب نزد ایرانیان، به دلیل نقش حیاتی و شرایط خاص جغرافیایی همواره مقدس بوده و یکی از ایزدان یا الهه‌گان است و یا همواره از جانب ایزد و یا ایزدبانویی حمایت می‌شود. در جهان بینی ایرانیان باستان آب پیش از خلقت نیز، نماد استواری و تجلی کائنات و سرچشمه، منشأ و زهدان همه امکانات هستی بوده و اصلی‌ترین مایه رشد و نمو و بالندگی و سرچشمه زندگی در همه مراتب هستی، آفرینش آب و آفرینش جهان از آب است. در کتاب اوستا آمده است که همه خلقت در اصل به صورت قطره آبی بود و بنابر نظر دیگری، اصل همه آفریدگان از آب بود به جز تخمه مردمان و چارپایان مفید که از آتش است (Oshidar, 2012). در توضیح مطالب فوق می‌توان گفت که بر اساس متون بندهش، آب (پس از آسمان) دومین خلق مادی از میان هفت آفریده اهورامزدا بوده است (Bahar, 2012). همچنین در اسطوره آفرینش زرتشتی آمده است که آب پس از آسمان دومین آفریده از آفریدگان مادی اورمزد، و سبب آفرینش آن نابود کردن دروج (دیو) تشنگی است (Oshidar, 2012). در سبب چرایی این دیدگاه در آفرینش هستی از آب، الیاده در کتاب چشم‌انداز اسطوره معتقد است که آب با نرمی و انعطاف‌پذیری که دارد، می‌تواند همه چیزهای سخت و غیرقابل تغییر را به آرامی تغییر دهد و بر همین اساس است که آب شکل دهنده همه چیز است، همه

مسأله پژوهش، منابع مرتبط با اسطوره آب در ایران باستان و نیز منابع مربوط به اسطوره و دلیل شکل‌گیری اسطوره‌ها و هدف ساخت آنها و ... شناسایی گردید و پس از مطالعه دقیق نکات مرتبط با مسأله پژوهش یادداشت و پس از بازبینی یادداشت‌ها، یافته‌ها، تجزیه و تحلیل و در نهایت نتیجه‌گیری صورت گرفت. در ادامه تلاش بر آن است که با معرفی مختصری از چیستی اساطیری آب در فرهنگ و ادب ایرانی، کارکردهای شناختی آن بررسی گردد.

## یافته‌های پژوهش

### ۱. چیستی اساطیری آب

#### ۱.۱. آب در باور دینی ایران باستان

آب (در اوستایی آپ و در پهلوی، آو) یکی از چهار آخشيجان و عنصر سازنده و حیات بخش جهان هستی است. آب از کهن‌ترین زمان‌ها جایگاه والایی در اعتقادات و فرهنگ مردم ایران و حتی جهان داشته و دارد زیرا اگرچه آب در هر تمدنی جایگاهی جداگانه داشته است، اما نیاز به آن نزد همه انسان‌ها آشکار است. در بیشتر فرهنگ‌های باستانی خدایان باروری با آب پیوستگی داشته‌اند. ریشه‌های پیوند آب و زایش را در اسطوره‌های آب و آفرینش باید جست. در باورهای ایران باستان زمین از آب پدید آمده بود. در ریگ ودا، هنگام سخن از آفرینش آن زمان که نیستی و هستی، هوا و آسمان، مرگ و زندگی و روز و شب در نبرد بودند، تنها یک پرسش در کار بود. آیا آب ژرف و بی پایان وجود داشته است؟ آنگاه پاسخ می‌شنویم، در آغاز تاریکی در تاریکی نهفته بود. هیچ علامت مشخصی نبود، همه جا آب بود. در این سروده‌ها بودن آب پیش درآمد بودن آفرینش هر چیزی است. سروده‌های اوپانشاد، برای پیش از پیدایش آب واژه مردگی را به کار می‌برد و پدید آمدن آب، آغاز بخش زندگی است که از پی آن بنیاد همه چیز بر آب است. در پورانا می‌خوانیم، کلیه اشیاء به صورت هسته‌ای درآمد، که تدریجاً چون حبیبی بر فراز آب‌ها گسترش یافت (Sheikh Farshi, 2003).

در اساطیر آمده است که اورمزد «دوم آب را از گوهر آسمان آفرید» (Mirfakhary, 1987). آب تسبیح گوی ذات خداوندی، نخست همه افلاک را فرا گرفته بود، و خدای بزرگ آسمان را ساخت، تا آب‌های زیر فلک و زبر آن را از یکدیگر مجزا سازد. آب که بنابر پاره ای نظرات مبدأ اصلی حیات است و کلیه عناصر از آن به وجود آمده‌اند، دارای چنان ارج و منزلتی است که روح خداوندی بر روی آن پرواز می‌کند (Ibid: 119). در اساطیر به این موضوع بر می‌خوریم، که چگونه آب دلیلی بر ایجاد زندگی

شخصیت خدایی پیدا کرده است (Ibid: 23). ژرژ دومنیل (2006) براساس نظریه ساخت سه‌گانه جوامع و اساطیر هندوایرانی خود، معتقد است که اردوی سور آناهیتا به معنی «نمناک و نیرومند و پاک»، سه نام دارد و این صفات، مبین کنش‌های باروری، جنگاوری و دینداری هستند. سوره یا سورا بخش دیگر نام اردوی سور آناهیتا معنی نیرومند و پرزور دارد و آناهیتا پاکی و بی‌آلایشی معنی می‌دهد (Hinelz, 2006). در وداها سرسوتی ایزدبانوی آب و رودی است با همین نام که از هیمالیا و سرزمین کهن آریایی به جانب غرب سرازیر می‌شود. در روزگار کهن این رود و ایزدبانوی آن به دلیل پاک‌کنندگی، باروری و قدرت حاصلخیزی و زلالی و جاری بودن به دریا مورد تکریم قرار داشت (Evans, 1994). اگرچه آناهیتا در صفات اولیه خود شباهت بسیاری با ایزدبانوی هندی سرسوتی دارد و نام سه جزیری اردوی سورا آناهیتا «مرطوب، نیرومند، بی‌گناه» به روشنی به سه کاربرد برکت‌بخشی، رزم‌آوری و روحانی اشاره دارد (Gamen, 2002)؛ اما شخصیت آناهیتای ایرانی به شدت تحت تأثیر ایستر بابلی شکل می‌گیرد و این به دلیل تأثیر گسترده‌ای است که فرهنگ آسیای غربی بر نواحی مختلف جوامع باستانی داشته است. آناهیتا ایزد بانوی باران، هر جا گام می‌نهد، باران جاری می‌شود. مردم و کشتزاران را سبز و خرم می‌کند. وصف او در یشت‌ها (آبان یشت) به زیبایی آمده است: «آن‌گاه اردوی سور آناهیتا به شکل دوشیزه‌ای زیبا، خوش اندام، کمربند به میان بسته، بالا بلند، آزاده نژاد و توانمند با کفش‌های زیبای درخشان که آنها را با بندهای زرین به پا بسته بود... روان شد» (Pourardood, 2015). پس در توصیف او در اوستا آناهیتا «دوشیزه‌ای زیبا، قدرتمند و بلند قامت است، کمربندش دور ردایی آراسته به طلا محکم بسته شده، به گوشواره‌ها، یک گردنبند، یک تاج زرین با سی پوست ببر مزین شده است» (Comun, 2010). بنابر اوستا، آناهیتا تخم نران، زهدان و شیر مادگان را تطهیر می‌کند. دختران بالغ و زنان در حال زایش نیز از او استمداد می‌جویند. در برخی موارد وی ایزد بانوی جنگ تصور شده که سوار بر ارابه‌ای است که چهار اسب سفید یعنی باد، باران، ابر و تگرگ آن را می‌کشند. آناهیتا پیروزی را به جنگاوران و گروه‌های شجاع و همراهان دلیر آنان ارزانی می‌دارد. در سروده‌های اوستا (در یشت ویژه او، یشت ۵) بعد از برشمردن همه قهرمانانی که در گذشته برای وی را آموزش داده بود قربانی کردند. این ایزد بانو همواره جایگاه مهم خود را در حکومت‌های باستانی حفظ نموده و شاهان هخامنشی، پارتی و ساسانی با احترام از او یاد کرده‌اند. گفته شده است: با آنکه آیین ملی ساسانیان از بدو تاسیس تا قرن هفتم میلادی زرتشتی‌گری بوده

چیز از آب خلق شده و به آب باز می‌گردد و ما هرگاه بخواهیم، به قدرت پنهان موجود در هر چیزی بیندیشیم، اولین عنصری که به چشم می‌آید و خود را نشان می‌دهد، آب است و به لحاظ همین قدرت بنیادینی که آب دارد، آن را به عنوان عنصر اصلی حیات معرفی کرده‌اند. همچنین در گرایش‌های مابعدالطبیعی و مذهبی، آب را به عنوان کلیت واجد انسجامی کامل در نظر می‌گیرند و بر این باورند که با آفرینش کیهان از آب در مرتبه انسان‌شناسی، انواع و اقسام (زایش از ماده) به وجود آمد و اعتماد بر این است که جنس بشر از آب زاده شده است (Eliadeh, 1997).

## ۱-۲. الهه‌گان، ایزدان مرتبط با آب

در ادامه به معرفی چند ایزد و ایزدبانوی مرتبط با آب از برجسته‌ترین متن دینی ایران باستان پرداخته می‌شود تا ضمن آشنایی با اسطوره‌های آب در کتاب *اوستا* به کارکردهای هستی‌شناسی و آیینی آنها نیز اشاره گردد:

چنانکه ذکر شد ایرانیان باستان، عناصر مفید و سودمند را که به نحوی در زندگی مؤثر بوده، مقدس داشته و ایزدانی را مظهر و نگاهبان آن می‌دانستند. آب یکی از عناصر سودمندی است که بسیار مورد ستایش و نیایش قرار گرفته و در سراسر کتاب *اوستا* با تقدیس از آن صحبت به میان آمده است، اسطوره آب در ایران، آناهیتا (آب پاک) است (Afifi, 1995).

## ۱-۲-۱. ناهید/ آناهید (اردوی سور آناهیتا)<sup>۱</sup>

در آیین مزدیسنا، اهورامزدا پس از آفرینش آسمان، اندیشه نیک، روشنایی مادی و دین مزدیسنا، امشاسپندان (نامیرایان مقدس) را آفرید. در دین زرتشتی امشاسپندان تنها آفریدگان آسمانی نیستند؛ یزته‌ها<sup>۲</sup>، (ایزدان)، یعنی آفریده‌های پرستیدنی و ستودنی نیز وجود دارند که از لحاظ رتبه در رده سوم بعد از اهورامزدا و امشاسپندان جای می‌گیرند (Hinelz, 2006). از میان این ایزدان برخی مادینه‌اند که از آنان با عنوان ایزدبانوان یاد می‌شود. این ایزدبانوان بسیار مطهر هستند و قداستشان مینوی است و در همه اجزای کیهان ساری‌اند و زندگی روزانه آدمیان در گرو تماس مستقیم با این آفریدگان است (Sattari & Khosravi, 2013). یکی از این اسطوره‌ها، اسطوره ایزدبانو آناهیتا است (Gaviry, 1992). ایزد بانویی با شخصیتی بسیار برجسته که جای مهمی در آیین‌های ایران باستان به خود اختصاص می‌دهد و قدمت ستایش او به دوره‌های بسیار پیشین و حتی به زمان پیش از زردشت می‌رسد. اردوی به معنی رطوبت، در آغاز، نام رودخانه مقدسی بوده است و به پیروی از اصل شناخته شده‌ای در اساطیر، نام رودخانه،

1. Ardavi- Sura Anahit

2. Yazata

## عباسی و همکاران، کارکردهای اسطوره‌شناختی آب در ایران باستان

پرستشگاه‌ها مرتبط باشد. بنا بر قول اوستا: «او است دارنده هزار دریاچه و هزار رود... در کرانه هر یک از این دریاچه‌ها، خانه‌ای خوش ساخت با یکصد پنجره درخشان و یک هزار ستون خوش تراش برپا است؛ خانه‌ای کلان پیکر که بر هزار پایه جای دارد» (Avesta, 1998). از منابع تاریخی به خوبی بر می‌آید که معابد ناهید در تمام قرون، از عهد هخامنشی گرفته تا فتح اعراب، در تمام نقاط ایران وجود داشته است. این معابد به علت تقدس و پاکی باید دور از دسترس، آلودگی و حمله دشمن قرار می‌گرفتند، بنابراین، این معابد در محل و قلعه‌ای امن بنا می‌شدند. بنابر مندرجات *اوستا*، ناهیتا خود در بلندترین طبقه آسمان سکونت دارد و از فلک ستارگان یا از بلندترین قلعه کوه «هَکَر» به سوی پایین می‌شتابد. از این رو، ایرانیان قدیم معابد خود را بر فراز بلندی‌ها و کوه‌ها بنا می‌کردند و در آنجا به نیایش می‌پرداختند (Bastani Parizi, 1965). از معروف‌ترین این پرستشگاه‌ها می‌توان به معابد همدان و کنگاور اشاره کرد. به باور هرتسفلد، معبد کنگاور یکی از بزرگ‌ترین معابد دنیای قدیم به شمار می‌آید (Sattari & Khosravi, 2013). از جمله آتشکده‌هایی که جزو معابد ناهید بوده‌اند می‌توان آتشکده آذرگشسب (آتش شهریاران) واقع در آذربایجان، آتشکده آذر بُرُزین مهر (آتش کشاورزان) واقع در خراسان و آتشکده آذر فرنیغ (آتش روحانیان) را نام برد. همچنین پرستشگاه‌هایی که بسیاری از آنها بازمانده-های بناهای کهن هستند و به نام‌های قلعه دختر، گنل دختر، برج دختر و پُل دختر در سراسر ایران پراکنده اند، شاید بتوان گفت با ناهید ارتباط دارند (Gaviry, 1992).

**۱-۲-۲. پیوند اسطوره اردوی سوز ناهیتا و دین زرتشت**  
آیین پرستش ناهیتا در دین زردشت بدین گونه راه می‌یابد که مغ‌های زرتشتی به جایگاه ویژه‌ای که ایزد ناهیتا و ایزد مهر در آیین‌های پیش از زرتشت در نزد مردم داشتند کاملاً واقف بودند و می‌دانستند که به راحتی نمی‌توان این دو ایزد قدرتمند را با ورود آیین زرتشت در ایران به کناری نهاد. از این رو سرودهای شکوهمندی در ستایش و نیایش این دو ایزد ساخته می‌شود که در یشت‌های *اوستا* به نام‌های «آبان یشت» و «مهر یشت» مندرج است. چنین به نظر می‌رسد که نهضت زرتشت در دین کهن مزدایی تغییراتی پدید آورده بود و اردشیر دوم هخامنشی در همین دین پرستش ناهیتا (که پیوستگی ویژه با تقدیس آتش داشت) را به صورت نقش و پیکر داخل کرد (Giresman, 2009). اگرچه در دوران پارتی‌ها مجموعه سه گانه (اهورامزدا، میترا، ناهیتا) پرستیده می‌شد، ولی پرستش ناهیتا مقدم می‌گردد و تمام معابد ایرانی که در منابع تاریخی از آنها نام برده شده به

است، ولی رب‌النوع‌های مهر و ناهید در شئون مختلف این کیش بسیار دخیل بوده‌اند. شاپور اول به همسر خود نام ملکه آذرناهیتا داده و معبد عظیم بیشاپور را به نام ناهید معرفی کرده است. نرسی پسر سوم شاپور از ناهیتا تاج ستانی می‌کند، خسرو نسبت به مهر بی مهر می‌شود ولی یزدگرد به خورشید سوگند یاد می‌کند، پرویز بر روی سکه‌های خود در یک طرف نقش خویش و در طرف دیگر نقش ناهیتا را ضرب می‌کند، در طاق بستان نقش برجسته این الهه حاصلخیزی و خیر و برکت در مراسم تاج-گذاری خسرو شرکت می‌کند (Sarfraz, 1987). آثار و اسنادی از ستایش آب بر روی پایه ستون‌های مکشوفه شوش و همدان وجود دارد که اردشیر می‌گوید ایزدان مهر و ناهیتا مرا یاری کردند و اضافه می‌کند: «بشود که اهورامزدا، ناهیتا و میترا مرا در پناه خود گرفته و از هر کینه و خصومتی حفظ کنند» (Olmstead, 2014).

بر اساس توصیفات که ذکر شد این الهه، یکی از مهم‌ترین ایزدان ایرانی به شمار می‌رفت تا جایی که او را در کنار اهورامزدا قرار می‌دادند. به گفته گویری این نام که نخستین بار در کتیبه‌های اردشیر دوم آمده است «بلافاصله پس از اهورا مزدا و پیش از میترا (مهر) ذکر می‌شود و این نشانگر پایگاه ارجمند این ایزد بانوست» (Gaviry, 1992). لازم به ذکر است که دلیل عمده این جایگاه ویژه برای الهه آب، تا حدود زیادی به دلیل جایگاه ویژه‌ای است که آب در نزد ایرانیان باستان داشته است.

### ۱-۲-۱. نشانه‌های ناهیتا

ایزد بانوی ناهیتا برای اولین بار در کتیبه‌های همدان و شوش به این نام خوانده شده است، که پس از نام اهورامزدا و پیش از مهر ذکر شده است. ناهیتا همان مادر خدای کهن است و شکل ماهی و درخت انار را دو مظهر خدای آب می‌داند. ماهی در ایران نماد شروع و آغاز است و محافظ درخت زندگی که یکی از مظاهر ناهیتا به شمار می‌آید. انار هم به دلیل دانه دار بودن نشان و نماد باروری است. شاخ بز کوهی که نمایانگر هلال ماه می‌باشد نیز در ارتباط با زن و گیاه و باروری می‌باشد. همچنین در میان اشکال هندسی که وجود دارند، مثلث متساوی الاضلاع که هماهنگ و متناسب است نماد الهه آب، ناهیتا است. که اگر رأس آن به سمت پایین باشد نماد آب و جنس مؤنث می‌شود و مفهوم باروری و زهدان را هم می‌رساند (اگر رأس آن به سمت بالا باشد نماد آتش و جنس مذکر است).

### ۱-۲-۲. پرستشگاه‌ها

معابد ناهیتا را عموماً در کنار رودها یا مناطق پرآب بنا می‌کردند. شاید آنچه در اوستا درباره خانه‌های او آمده است، با این

دانست. این ایزد در ودا یک سرود ویژه دارد ( Rashed Mohasel, 2002). آپام نپات دارای ویژگی‌های جالب توجهی است: نیرومند و بلند بالاست، اسب‌های چالاک دارد و مانند اهورامزدا و مهر دارای لقب اهورا (سرور) است ( Gaviry, 1992).

#### ۵-۲-۱. تیشتر (تیشتریه)<sup>۲</sup>

یکی دیگر از عناصری که با زندگی آریایی‌ها پیوندی مستقیم داشت، باران بود. این معنی هنگامی آشکار می‌شود که می‌بینیم آب و روشنائی منبع داستان‌های لطیف و اسطوره‌های دلنشین شده‌اند. تیشتر خدایی است که با باران ارتباط دارد و از این رو، اصل همه آب‌ها، سرچشمه باران و باروری است. در متن‌ها صورت متجلی او را «ستاره تابان شکوهمند» نام برده‌اند. در تیشتریشتر اوستا، نبرد این ایزد با دیو «اپوش» که دیو خشکسالی و خشکی است روایت شده است ( Hinelz, 2006). طلوع تیشتر در نزد ایرانیان نماد رها شدن از ماه‌های خشکی و بی‌آبی است و اعلام شروع نبرد کیهانی نه بر ضد دیوان زمینی، که بر ضد دیوان آسمانی است. قهرمان اسطوره آزاد سازی آب‌ها، ستاره تیشتر است که به طور ادواری به شکل اسب سپید در می‌آید تا آب‌ها را از دست دیو خشکسالی نجات دهد ( Ismail Pour, 2002). گفته می‌شود، تیشتر در دهه اول تیرماه از شکل نوجوانی پانزده ساله به صورت مردی جوان و بلند قامت در می‌آید تا در آسمان پرواز و از ابرها بر زمین باران بفرستد، تا آب زمین را فرا گیرد و جانوران مودی از میان برود، زیرا که پانزده سالگی در اندیشه ایرانیان سن آرمانی است. و در دهه دوم به شکل گاو نر زرین شاخ در می‌آید و در آسمان پرواز می‌کند و در دهه سوم به شکل اسبی در می‌آید زیبا و سفید و در آسمان پرواز می‌کند. در روایتی تیشتر در آغاز آفرینش به این اشکال در آمد و باران را آفرید (Bahar, 2012).

#### ۶-۲-۱. ایزدان دوگانه آب خرداد (هئوروات) و امرداد(امرتات)<sup>۳</sup>

##### ۱-۲-۶-۱. خرداد

به معنی تمامیت، کلیت و کمال است و مظهری از مفهوم نجات برای افراد بشر. آب را حمایت می‌کند و در این جهان، شادابی گیاهان مظهر اوست. این امشاسپند مؤنث است. ایزد تیشتر و باد و فروهر پرهیزکاران، همکاران او هستند. در دوران حمله اهریمن آب را به یاری فروهرها می‌ستاند، به باد می‌سپارد و باد آن را به شتاب به سوی کشورها می‌برد و به وسیله ابر می‌باراند ( Hinelz,

این ایزد اهدا گشته است و معبد تخت سلیمان با جمع مغان که در آن بوده مرکز بزرگ مذهبی ماد آذربایجان بوده است که شاخه مؤنث سلسله اشکانی بر آن فرمانروا بود (Ibid: 87).

#### ۳-۲-۱. آبان یشت

آبان از آب اوستایی و آبی پارسی باستان و آب پهلوی، به معنی آب برآمده است. در اوستا بارها آب به معنای ایزد نگهبان آب عنوان شده است (Oshidar, 1992). همچنین بخشی از اوستا متعلق به آبان یشت، فرشته آب و ناهید است. یکی از یشت‌ها یا قصاید بسیار بلند اوستا مرکب از ۲۰ کرده و مجموعاً ۲۲ بند است که مندرجات آن را می‌توان به دو جزء تقسیم کرد: قسمتی در مدح و توصیف ناهید است و قسمت دیگر از ستاینده‌گان وی صحبت می‌شود. این جزء اخیر را قسمت تاریخی این یشت می‌توان محسوب کرد، که هر یک به نوبت خویش ناهید را ستوده و خواهشی داشته‌اند (Ibid, 1992). ایمان و اعتقاد به آناهیتا در دین زرتشت به حدی بوده است که فصل مهمی از کتاب مقدس اوستا به این الهه اختصاص داده شده است. «آبان نیایش»<sup>۴</sup> در ستایش ایزد ناهید است که بنا بر مضامین اوستایی سرچشمه مینوی آب‌های جهانی است. خواندن «آبان نیایش» به ویژه در کنار جوی و دریا را ثواب می‌دانند ( Ali Pourmand, & Tavousi, 2010). آبان نیایش یکی از نیایش‌های پنجگانه خورشید، مهر، ماه، آب و آتش است. آبان نیایش یا اردوی سور یا اردویسور آناهیت (اوستایی) سرچشمه مینوی آب‌های جهانی است. بندهای ۱ تا ۷ اردویسور نیایش که آبان نیایش نیز نامیده می‌شود، از فقرات اولیه آبان یشت است یا از یسنای ۶۵. اردویسور نیایش در کنار رود و جوی و نیز در آبان روز هر ماه خوانده می‌شود. خواندن آبان نیایش را ثواب می‌دانند، به ویژه در روز آبان، کنار جوی و دریا، نزد پارسیان معمول است، که در چنین روزی در کنار دریا به نیایش می‌پردازند ( Oshidar, 1992).

#### ۴-۲-۱. آپام نپات<sup>۱</sup>

«فرشته نگهبان آب، آپام نپات نام دارد» (Oshidar, 1992). آپام نپات به معنی سرچشمه ناف یا زاده آب است. آپام نپات را ایزد آب‌ها خوانده‌اند و او را به عنوان سرچشمه آب‌های زمین ستایش کرده‌اند. یکی از القاب معروف این ایزد، همان «بُرز ایزد» است، که در اوستا به شکل «بِرزانت» به معنای بلندبالا آمده است. آپام نپات ایزدی است که با ویژگی‌های همسان در اسطوره‌های ایرانی و هندی دیده می‌شود؛ بنابراین او را باید ایزدی مربوط به دوره‌های زندگی مشترک اقوام ایرانی و هندی

2. Tishtariya  
3. Haurvatat  
4. Ameretat

1. Apam-napat

2006).

۲-۶-۱. اُمرداد

سور آناهیتا»، متجلی است. توصیف آبان یشت از نیایش و پیش-کشی نامدارانی چون هوشنگ، فریدون و کاووس، که به پیش از دوره زرتشت مربوط می‌شوند، برای ایزدبانوی آب‌ها، حتی نیایش کسانی چون افراسیاب و اژی‌دهاک (ضحاک) به درگاه اردویسور آناهیتا و درخواست پیروزی و کامروایی از او، پیشینه کهن پرستش مظهر آب را به روشنی بیان می‌نماید (Mirfakhary, 1987) و آشکارکننده این آیین‌ها است. بر پایه این تقدس است که ایرانیان باستان به این نعمت آسمانی احترام بسیاری می‌نهادند و برای استفاده از آن شرایطی تعیین می‌کردند که حتی مورد توجه مورخانی همچون هرودوت و آگاسیاس قرار گرفت تا جایی که نوشتند: «ایرانیان در میان رود بول نمی‌کنند، در آب تفو (= آب دهان) نمی‌اندازند، در آن دست نمی‌شویند و متحمل هم نمی‌شوند که دیگری آن را به کثافتی آلوده کند، احترامات بسیاری برای آب قائل می‌شوند» (Pourdavoud, 2015). ایرانیان قبل از زردشت نیز به پاکی آب توجه داشته و در آیین زردشت پاک نگه داشتن آب از پلیدی‌ها یکی از ارکان دین به شمار می‌رفته است و به همین دلیل یکی از یشت‌های کتاب مقدس *اوستا* (آبان یشت)، به ایزد آب «اردویسور آناهیته» پیشکش شده است.

به دلیل تقدس آب در باور ایرانیان باستان بوده که آلودن آن را مجاز ندانسته و تطهیر و پاکی انسان و زندگی او نیز موضوعی توصیه شده و مورد توجه بوده است. برای مثال گرمابه شامل ظرفی بزرگ به نام آبزن بوده است، از آن جهت که آب را مقدس می‌شمردند و نباید آن را می‌آلودند. آب استفاده شده را بعد از استحمام، روی زمین یا به آسمان پاشیده و به هیچ عنوان آن را وارد آب پاک نمی‌کردند. از نظر ایرانیان آلودن آب، عمل اهریمن و یاران او قلمداد می‌شده است (Naghizadeh, 2003). همچنین از قول استرابون آورده شده است: «ایرانیان در آب جاری استحمام نمی‌کنند، در آن لاشه و مردار نمی‌اندازند، عموماً آنچه ناپاک است در آن نمی‌ریزند، وقتی که ایرانیان م خواهند از برای آب فدیہ بفرستند به کنار دریاچه یا جویبار یا چشمه می‌روند خندقی حفر نموده، قربانی می‌کنند، به خصوص احتیاط می‌کنند آب را به خون نیالایند، سپس گوشت قربانی را در روی شاخه‌های مورد یا غار می‌گذارند، مَغ‌ها آن را با چوب‌های مقدس لمس می‌کنند و کلام مقدس می‌سرایند و با سرودهای مفصل قربانی را به انجام می‌رسانند» (Pourdavaoud, 2015).

### بحث و نتیجه‌گیری

با بررسی موارد ذکر شده روشن گردید که بشر از دیرباز در پی

به معنی بی‌مرگی است و تجلی دیگری از رستگاری و جاودانی. سرور گیاهان است. او گیاهان را برویاند و رمه گوسفندان را بیفزاید. او می‌کوشد که گیاهان پژمرده نشوند. همکاران او ایزدان رشن و اشتاد و زامیاد هستند. این امشاسپند مؤنث است. خرداد و امرداد در متن‌ها معمولاً با هم ذکر می‌شوند و نماینده رویش و زندگی هستند (Ibid: 18).

### ۲. کارکردهای اسطوره‌شناختی آب

پس چنانکه از موارد ذکر شده به دست می‌آید عمده‌ترین کارکرد اساطیری آب، نقشی است که در هستی‌شناسی و تبیین چگونگی شکل‌گیری جهان هستی دارد؛ اما افزون بر این نکته همواره در ایران باستان رمزپردازی آب نمایشگر همبستگی ساختاری میان آب‌ها و ماه، ضرورت رستنی‌ها، زندگی و نطفه-ها و مرگ و ولادت ثانوی نیز بوده است و این امر نشانگر پیوستگی ویژه و غیر قابل انفکاک آب با مقوله حیات و زاینده‌گی در جهان هستی است. برای مثال آیین‌های غسل تعمید نشانه‌ای از تجدید حیات به وسیله آب به گونه‌ای رمزی است. همچنین پدید آمدن آب - بانوانی مانند «اردوی سور آناهیتا» که برجسته‌ترین صفات خود را از اسطوره‌ها گرفته و زنانگی آنان یادآور زاینده‌گی است، از این موارد قابل ذکر هستند. به همین دلیل است که پس از پیدایش اسطوره آفرینش در بیشتر جاها آب، زن و زاینده‌گی در کنار هم دیده می‌شوند. در اوپانیاشاد، نطفه و آب هر دو پدید آورنده نور و بقا هستند. این مفاهیم پدیدآورنده تشبیه آب به زهدان عالم و فراتر از آن به زهدان خدایان می‌باشد. در برخی از جوامع بزرگی خدا- بانوی مادر را در آب می‌شستند. آب می‌توانست یاری رسان زاینده‌گی خدا- بانوی مادر باشد. یکی از وظایف آناهیتا در ایران نیز چنین است (Sheikh Farshi, 2003).

از دیگر کارکردهای اسطوره آب، جایگاه ویژه‌ای است که این عنصر ارزشمند هستی، در باورها و آیین‌های ایرانیان باستان داشته است. آب به علت خاصیت‌های گوناگونی که دارد عنصری با ارزش و نمادین است زیرا آب‌ها حل می‌کنند، پاک می‌سازند، می‌شویند و از نو پدید می‌آورند و با خشکی و ایستایی مرگ در تضاد هستند. آب در نظر ایرانیان چنان مقدس است که تلاش می‌کردند از هر گونه ناپاکی دور بمانند و حتی برایش قربانی می‌کردند. در آیین‌های آریایی پیش از زرتشتی، آب عنصری مقدس است که جلوه‌های تقدس آن به طور عمده در باورها و رسم‌های مربوط به، مظهر مجرد و غیر این جهانی آن، ایزد بانوی «اردوی



باور ایران باستان و بنا بر پایه‌های نظرات آب، مبدأ اصلی حیات است و کلیه عناصر از آن به وجود آمده‌اند. این امر در رابطه با پیوند آب با مقوله حیات و زاینده‌گی در جهان هستی بیشتر خود را نشان می‌دهد و سبب به وجود آمدن بسیاری از آیین‌ها و تأثیرپذیری آنها از اسطوره آب می‌گردد. دیگر کارکرد عمده اسطوره آب، جایگاه ویژه‌ای است که این عنصر ارزشمند هستی، در شکل‌گیری باورها و ایجاد آیین‌ها و فعالیت‌های خاص ایرانیان باستان داشته است. بسیاری از مناسک مذهبی و تقدیس‌ها و گرمی داشتن‌های آب و مشتقات آن همانند باران و ... را می‌توان از خلال اساطیر کتاب‌های دینی ایران باستان به ویژه *اوستا* که نقش ویژه‌ای در شناخت این اساطیر دارد به دست آورد. از دیگر موارد قابل توجه در اساطیر مربوط به آب وجود ایزدان و ایزدبانوان مرتبط با آب است که به عنوان حافظان و رب النوع-های آن در ایران باستان جلوه‌گر هستند. از اصلی‌ترین آنها می‌توان به آنهیتا اشاره کرد. آنهیتا یکی از ایزد بانوان مهم آیین مزدیسنا و ایزد بانوی آب‌ها و به ویژه چشمه‌های مینوی در حوزه ستارگان، جایی که سرچشمه تمام رودهای جاری جهان از آن جاست، می‌باشد. در بررسی این الهه و دیگر ایزدان و ایزدبانوان رمز و راز و چگونگی بسیاری از آیین‌های مذهبی و شیوه‌ها و آموزش‌های پاس داشت و حفظ پاکی و صرفه جویی و ... آب و جلوه‌های آن دیده می‌شود.

## References

- Afifi, R. (1995). Iranian mythology and culture in Pahlavi's writings. First Printing, Tehran: Toos Publishing.
- Afkhami, B., Farajzadeh, S. and Habibinia, S. M. (2006). Anahita's Divine Representation in Archaeological Evidence, *Woman in Culture and Art (Women's Research)*, 8 (2), 225-248.
- Ali Pourmand, H. and Tavousi, M. (2010). The Lady of the Water, Anahita, *The Moon of Art*, 143, 36-47.
- Bahar, M. (1973). *Mythology of Iran*, Tehran: Iran Culture Foundation.
- (1989). Myth, A Philosophical Statement with Algebraic Argument, *Journal of Culture and Arts Literature*, 2, 54-59.
- (2012). *Research on mythology in Iran*, Tehran: Agah Publication.
- Barani, M. & Khani Sumar, E. (2014). A comparative study of water myth in the mythology of Iran and India, *Sub-continent Studies Quarterly*, 17, 7-26.
- Bastani Parizi, I. (1965). *Khatun Seven Fortress-*

شناخت و تبیین جهان هستی و کشف راز و رمزها و چیستی‌های آن بوده و برای معرفی و شناخت پدیده‌های پیرامون خویش از اسطوره‌ها بهره می‌برده است. اسطوره‌ها اولین و بهترین روش-های هستی شناسی و معرفت شناسی انسان‌های باستان بوده‌اند که با بهره‌گیری از خلاقیت و کارکردهای ذهن بشری سعی در شناساندن علت به وجود آمدن پدیده‌های هستی و نیز در صدد توجیه و ارزش‌گذاری آیین‌ها و فعالیت‌های معنی‌دار آدمی بوده‌اند. همچنین اسطوره‌ها جزئی از نظام اجباری تصویر و تصورات مذهبی نیز بوده‌اند و بر همین اساس است که در متون دینی باستانی بسیاری از اسطوره‌های برجسته دیده می‌شوند. از جمله عناصر طبیعت که توجه انسان باستانی را به خود جلب کرده و اسطوره‌سازی‌های بسیاری از آن صورت گرفته، آب است که نقش کلیدی آن در حیات بشری و جهان هستی کاملاً آشکار است. اسطوره آب بنا بر دلایل و اهداف خاصی شکل گرفته است که با بررسی عمده‌ترین این کارکردها در این پژوهش آشکار گردید که اصلی‌ترین کارکردهای شناختی اسطوره‌های آب، کارکردهای هستی شناسی است. به نظر می‌رسد بیشترین بهره‌ای که از اسطوره‌های آب گرفته می‌شود تبیین جایگاه آن در شاکله و نظام جهان مادی و هستی است و برای بیان چگونگی شکل‌گیری جهان هستی بوده است چنانکه در متن بدان پرداخته شد در باور ایران باستان آب، پس از آتش، دومین عنصر مقدس جهان و بنا بر برخی روایت‌ها دومین آفریده اهورامزدا، پس از آسمان، است. در

es, Tehran: Dekhoda Bookstore.

- Comun, F. (2000). Anahita, Buddhist goddess of gods, Translation by Abdul Bashir Mohammad Fomeni, *Kisata magazine*, 2 (28), 247.
- Crimsonman, R. (1971), *Iranian Art during the Parthian and Sassanian Periods*, Bahram Farah-ouchi Translation, Tehran: Translation and Publishing Agency.
- Domenil, J. (2006). *Myth and Saga in the Thought of Georges Domuziel*. Translation: Jalal Sattari, Second Edition, Tehran: Center Publishing.
- Eliadeh M. (1997). *The myth landscape*. Translation: Jalal Sattari Tehran, Gomes publishing house
- Evans, A. (1994). *Indian mythology*. Translation: Bajalan Farokhi Tehran.
- Gamen, D. (2002). *Ancient religion of ancient Iran* Translated by Dream Amazon. Volume 1, Tehran: Science.
- Gaviry, S. (1992). Anahita is a goddess of the gods of the ancient gods. *Journal of Chista*. No. 89 and 90, 1042-1012.

- Ghaemi, F., Abolqasem, Q. & Yaghighi, M. J. (2009). An Analysis of the Symbolic Role of Water Myth and Its Appearance in Ferdowsi's Shahnameh, *Literary Research (Journal of Faculty of Literatures & Humanities, Mashhad)*, 165, 47-67.
- Giresman, R. (2009). Iran from the beginning to Islam, Translated by Mohammad Moein, 4<sup>th</sup> Edition, Tehran: Moein Publishing.
- Hadi, S. (1998). Recognition of Peoples' Myths, First Edition, Tehran: Tandis Publishing.
- Hinelz, J. (2006). Recognition of Iranian mythologists: Jaleh Amoozagar and Ahmad Tafazali. Fountains Publishing.
- Ismail Pour, A. (2002). Thirma Thizh Shu (Tirgan Celebration) and Thistle Myth. *Anthropology Letters*, 1(1), 99-77.
- Mahmoudi, M. A., Shafieefar, F. and Fouladi, Y. (2012). Anahita's Historical Life in Sweetness and Military Sugar, *Persian Language and Literature*, 226, 109-132.
- Mirfakhary. (1987). Creation in religions. Tehran: Institute of Humanities and Cultural Studies.
- Naghizadeh, M. (2003). Water characteristics in Iranian culture and its impact on the formation of living space. *Journal of Astronomy*, 32, 92-71.
- Olmstead, A.T. (2014). The Achaemenid Shahadah Date, 9<sup>th</sup> Edition, Translated by Mohammad Moghadam, Tehran: Amir Kabir Publishing.
- Oshidar, C. (1992). Wikipedia the free encyclopedia. Tehran: Center Publication.
- Pourdavoud, E. (2015). Yasts, Tehran: The publication of mythology.
- Rashed Mohasel, M. T. (2002). Salvation in Religions, Tehran: Tehran Institute for Cultural Studies and Research.
- Sarfaraz, A.S. (1987). Bishapur, In the cities of Iran. Publishing Jihad University.
- Sattari, R., Khosravi, S. (2013). Anahita and Sebendar's Relationships in Myth and its Link with the History of Motherland, *Quarterly Journal of Mystical and Mythological Literature*, 32, 1-21.
- Sharifi, M. (2008). Persian Literature Culture, Second Edition, Tehran: Publication of Culture Publishing Nova + Moin Publications.
- Sharifian, M. and Atuni, B. (2011). Ancient Water Sample and Its Function in Myth and Epic, *Journal of Farsi Language and Literature*, 3 (9), 107-129.
- Sheikh Farshi, A. (2003). Water and mountains in Indian and Iranian mythology. Tehran: Hermes Publications.